

نثر در دوره صفویه

در دوره صفویه نثر فارسی با وجود آن که در پی حوادث و تلخ‌کامی‌های پدید آمده از قوم تاتار و تیموریان رفته‌رفته از آن صلابت و استواری پیشین خود در سده‌های پنجم الی هشتم هجری دور شد، اما نویسندگان بسیاری در ایران و هند و آسیای میانه و آسیای صغیر آثار قابل توجهی در شاخه‌ها و موضوعات مختلف از خود بر جای نهادند.

زبان فارسی و در پی آن نثر فارسی در این دوره وضع خاصی یافته بود. از طرفی زبان دربار پادشاهان صفوی به سبب ترک‌زبان بودنشان، ترکی شد و این خواه ناخواه تاثیر خود را بر زبان و نثر فارسی نهاد. از این رو شاهد افزونی واژگان و ترکیبات ترکی و مغولی در زبان و نثر فارسی این دوره به ویژه در آثار آنان که به نوعی به دربار و حکومت وابسته بودند، هستیم.

زبان و ادب عربی نیز که از سده‌های چهارم و پنجم هجری تاثیر خود را بر نثر فارسی نهاده بود، در این دوره بر اثر اختلاف‌های مذهبی و سیاسی صفویان با عثمانیان و در نتیجه کوچیدن بسیاری از علمای شیعه از جبل عامل لبنان و شام و عتبات عالیات به ایران، رواجی بسیار یافت و نویسندگان بسیاری، افزون بر تاثیرپذیری از صرف و نحو عربی و واژگان و ترکیبات آن، کتاب‌های خود را نیز به‌ویژه در حوزه دین و حکمت و فلسفه به این زبان نوشتند.

از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره اطناب و اسهاب و تکرار مترادفات است و این بیشتر در نثرهای تاریخی و توصیفی و یا در منشآت به‌ویژه در سلطانیات دیده می‌شود. در بیشتر کتاب‌های تاریخی، مؤلف در دیباچه و همه‌ی سرفصل‌های کتاب سخن را تا آن‌جا که در توانایی اوست به درازا می‌کشاند و هرگاه مقصودش تنها ذکر واقعه و رویدادی است، کلامش به سادگی میل می‌کند.

مهمترین آثار منشور

1. تاریخ‌نویسی

تاریخ‌نویسی که در عصر مغولان و تیموریان به سبب علاقه‌مندی آنان به تثبیت و ضبط وقایع و کشورگشایی‌ها و باقی نگه داشتن نام و آوازه‌ی نامیمون خود، رواجی دوچندان یافته بود، در دوره صفویه نیز نویسندگان بسیاری را به خود فراخواند و به حرکت فزاینده‌ی خود چه در ایران و چه در آسیای مرکزی و هند و بلاد عثمانی ادامه داد.

از نخستین کتاب‌های تاریخی این دوره، کتاب «حیب‌السیر» تألیف غیاث‌الدین محمد شیرازی مشهور به خواند میر از رجال اواخر عهد تیموری و اوایل فرمانروایی صفویان است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم از آغاز آفرینش تا سال 930 ه.ق یعنی سال پایان تألیف کتاب است. این کتاب به لحاظ داشتن اطلاعات سودمند به‌ویژه درباره‌ی تیموریان و روی کار آمدن صفویان از اهمیت خاصی برخوردار است. نثر این کتاب با همه‌ی روانی و سادگی گاه به صنعت‌پردازی و تکلف نیز متمایل است.

از کتاب‌های تاریخی که بیشتر به تاریخ صوفیان اختصاص یافته می‌توان به کتاب «احسن التواریخ» اثر حسن روملو و «عالم آرای عباسی» تألیف اسکندربیک منشی اشاره کرد. «عالم آرای عباسی» که به سال 1038 ه.ق تألیف شده است در سه بخش به شرح نیاکان صوفیان و وقایع پادشاهی شاه عباس اول می‌پردازد.

از تاریخ‌های عمده که در این دوره در هند به نثر فارسی نوشته شده است، می‌توان به «تاریخ الفی» تألیف شیخ احمد تتوی، «تاریخ فرشته» اثر محمد قاسم فرشته، «منتخب التواریخ» نوشته عبدالقادر بداونی و «اکبرنامه» از ابوالفضل علامی اشاره کرد.

2. آثار عرفانی

در دوره‌ی صفویه در میان آثار عالمان دین و حکمایی هم‌چون شیخ بهاء‌الدین عاملی، میرمحمد باقر داماد، میرابوالقاسم فندرسکی، ملاصدرالدین شیرازی، ملامسیحای گیلانی، ملامحمدتقی مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی، تمایل به عرفان و وارد شدن در بحث‌هایی از قبیل وحدت وجود و گرایش به عشق و مکاشفه‌ی عرفانی و مانند این‌ها را می‌توان مشاهده کرد. اینان غالباً شریعت و حکمت را با طریقت جمع می‌کردند و بی‌آنکه تعارضی بین آن‌ها مشاهده کنند، عطش تحقیق را با سیراب شدن از این سرچشمه‌های تفکر فرو می‌نشانند. در این میان همگامی فیض کاشانی با عارفان و وارد شدنش به مباحث عرفانی در پاره‌ای از کتاب‌های خود از جمله «محجبه البیضاء» و پاره‌ای از اشعارش تا بدان جاست که نمی‌توان منکر تمایل او به عرفان و تصوف شد.

با وجود این باید گفت آثار عرفانی این دوره چه در حوزی نثر و چه در حوزی شعر ارزش آثار عارفان بزرگ گذشته را ندارد و از ذوق و حال و عمق فکر و اندیشه‌ی آنان بی‌بهره مانده است. در آثار صوفیان و عارفان این دوره بیشتر به بیان آیین‌ها و سنت‌ها، تعبیرها و اصطلاح‌ها و یا تکرار مطلب‌های گذشتگان توجه شده است. بعضی هم در شرح حال و اثرها و سخنان عارفان پیشین و یا ترجمه‌ی احوال مشایخ متاخر است.

«ریاحین البساتین» تألیف وحیدالدین ابوالحسن محمد، «الجواهر الخمس» نوشته‌ی شیخ ابوالمؤید محمد بن خطیرالدین، «رساله فی التوحید» از شیخ نظام‌الدین عبدالشکور تهانیسری، «سفینه الاولیا»، «سکینه الاولیا» و «حسنت العارفین» هر سه از داراشکوه پسر شاه‌جهان پادشاه هند، «نفائس الانفاس» تألیف محمدقاسم بن عبدالقادر، «زادالسالک» و «آداب السالکین» هر دو از ملامحسن فیض کاشانی و «بدایع الدهور» از میرزا عبدالقادر بیدل از جمله آثاری هستند که در این دوره در حوزی عرفان و تصوف با نثری ساده و روان نوشته شده‌اند.

گفتنی است در دوره‌ی صفویه به سبب نفوذ علمای مذهبی در دستگاه حکومت، به عرفان و تصوف چندان مجال بروز داده نشد و هر زمانی که غلبه‌ی فق‌ها و متشرعه قابل ملاحظه بود، تصوف با آن‌که از جهت ظاهر مورد حمایت سلطان صفوی و نقطه‌ی اتکای امرای قزلباش و رجال متنفذ عصر بود، به شدت از جانب متشرعان نقد و طعن می‌شد. از این رو شاهد آن هستیم که کسانی هم‌چون صدرالمتالهین که به مبادی تعلیم صوفیه علاقه نشان می‌داد همانند استاد خود میرداماد تصوف واقعی را همان تاله و حکمت شمرده و

نسبت به صوفیه عصر خویش با نظر انکار نگریده و در اکثر تصنیفات خود از جمله «الاسفار»، «سه اصل» و «کسر اصنام الجاهلیه» به نقد و طعن صوفیه و آثارشان پرداخته است. با وجود این وی نسبت به قدمای صوفیه چندان انکاری نشان نداده و حتی بعضی متشرعه به همین سبب وی را مروج دعاوی صوفیان می‌دانستند. در این میان عالمان مذهبی نیز رساله‌ها و کتاب‌هایی در رد تصوف و عرفان پرداختند که می‌توان به «تحفه الابرار»، «ملاذ الاخیار» و «تحفه الاخیار» از ملامحمد طاهر قمی و «الرد علی الصوفیه» از حر العاملی اشاره کرد.

3. متون منثور اخلاقی و حکمی

در دوره‌ی صفویه اخلاق افزون بر اشمال بر سه مبحث از حکمت عملی یعنی تهذیب نفس، تدبیر منزل و سیاست مدن، بحثی است عام درباره‌ی این که چگونه انسان خود را از راه اجرای اوامر و فرامین شرع و عقل به سعادت دنیوی و اخروی برساند. از میان کتاب‌های اخلاقی این دوره برخی‌شان دارای جنبه‌ی ادبی نیز هستند و در مواردی نثر آن‌ها به شیوه‌ی مترسلان نزدیک می‌شود. از جمله نخستین کتاب‌هایی که در این دوره در حوزه‌ی اخلاق نوشته شده باید از «سلوک الملوک» نوشتی امین الدین ابوالخیر اصفهانی معروف به خواجه ملا و «اخلاق همایون» از قاضی اختیارالدین تربتی نام برد.

«تحفه المجالس» اثر مجدالدین حسینی، «اخلاق جهانگیری» از نورالدین محمد قاضی، «اخلاق حسنی» یا «اخلاق قطبشاهی» نوشته‌ی علی بن طیفور بسطامی، «ابواب الجنان» از میرزا رفیع واعظ قزوینی و «آینه‌ی شاهی» اثر ملامحسن فیض کاشانی از جمله آثار مهمی هستند که در این دوره در حوزه‌ی اخلاق تالیف شده‌اند.

4. متون منثور داستانی و روایی

حکایت و داستان‌نویسی در دوره‌ی صفویه رواج بیشتری یافت. در دستگاه‌های فرمانروایی و امارت و خاندان‌های اشراف و متمکنان این دوره، به‌ویژه در هند، افرادی بودند که شغلشان حکایت کردن داستان‌ها و حکایت‌ها در مجلس‌های انس روزانه و شبانه و یا جمع آوردن و حفظ داستان‌های مکتوب پیشین و خواندن آن‌ها در همان مجلس‌ها بوده است. به چنین کسانی عنوان قصه‌خوان و گاه دفترخوان داده می‌شد. داستان‌های منثور این دوره گاه تحریری نوین از داستان‌های قدیم و گاه روایتی تازه از آن‌هاست. از داستان‌های رایج در این دوره می‌توان به «ابومسلم‌نامه»، «حمزه‌نامه» یا «رموز حمزه» و «احسن القصص» اشاره کرد.

کتاب‌های «بهجت‌افرا» از محمد مهدی جرفاذقانی، «گلشن خیالات» اثر میرزا طاهر نصرآبادی، «زینت المجالس» نوشته‌ی مجدالدین محمد حسینی و «محبوب القلوب» از میرزا برخوردارخان بن محمود معروف به ممتاز فراهی نیز مشتمل بر حکایت‌ها و داستان‌های منثور آمیخته با شعر فارسی است.

5. تذکره‌نویسی

این دوره از مهم‌ترین دوره‌های تذکره‌نویسی در ایران و هند محسوب می‌شود. افزون بر محیط مساعدی که تشویق و ترغیب امرا و پادشاهان برای نگارش چنین کتاب‌هایی به وجود آورده بود، رواج شعر نیز در این دوره به خودی خود انگیزه‌ای خاص در پدید آمدن تذکره‌های شاعران در ایران و هند بوده است. این رواج عظیم شعر، عده‌ای از صاحب ذوقان را برمی‌انگیخت تا در هر شهر و ناحیه‌ای به جست‌وجوی طبع آزمایان و شاعران، و ثبت سرگذشت و فراهم آوردن نمونه‌هایی از شعرشان برخیزند و کتاب‌هایی موسوم به تذکره فراهم آورند.

«تحفه سامی» از سام میرزا متخلص به سامی از نخستین تذکره‌های این دوره است. در «هفت اقلیم» اثر محمدامین رازی که به سال 1002 ه.ق در هند تالیف شده، افزون بر بیان اطلاعات جغرافیایی و تاریخی هریک از اقلیم‌های هفت‌گانه، به ذکر احوال بزرگان و شاعران آن اقلیم‌ها و نمونه اشعار آنان توجه شده است. از دیگر تذکره‌های این دوره «تذکره نصرآبادی» نوشته‌ی میرزا محمد طاهر نصرآبادی، «خلاصه الاشعار و زبده الافکار» اثر تقی‌الدین کاشانی و «عرفات العاشقین و عرصات العارفین» از تقی‌الدین محمد اوحدی است.

6. فرهنگ‌نویسی

در دوره‌ی صفویه فرهنگ‌های متعددی در شناساندن واژگان و ترکیبات فارسی و معانی کنایی و استعاری آن‌ها توسط نویسندگان ایرانی و هندی تالیف و تدوین شده است. در واقع باید گفت بیشتر فرهنگ‌های لغت این دوره حاصل ذوق و تتبع نویسندگان هندی فارسی‌زبان است که با سیر و جست‌وجو در دیوان‌های اشعار شاعران و آثار منشور نویسندگان گذشته و معاصر خود، به فراهم آوردن گنجینه‌ای از واژگان و ترکیباتی که در زبان فارسی کاربرد دارد، پرداختند.

از مشهورترین فرهنگ‌های این دوره باید از «فرهنگ جهانگیری» از جمال‌الدین حسین اینجو، «برهان قاطع» نوشته‌ی محمدحسین خلف تبریزی، «فرهنگ سروری» اثر محمدقاسم کاشانی سروری، «فرهنگ رشیدی» از سید عبدالرشید تتوی و «چراغ هدایت» از سراج‌الدین علی آرزو نام برد.

گفتنی است گاه به سبب نداشتن روش دقیق و کارآمد در جمع‌آوری واژگان و ترکیبات، از ارزش علمی برخی از این کتاب‌های لغت کاسته شده است. هم‌چنین در دوره‌ی جلال‌الدین اکبرشاه گروهی از پارسیان هند کتاب‌هایی به نام‌های «دساتیر»، «شارستان» و «آیین هوشنگ» تدارک دیده و در آن‌ها لغت‌های برساخته و معمول بسیاری را به عنوان لغت‌های ناب فارسی به همراه مطالبی درباره‌ی تاریخ ایران باستان وارد ساختند.

منشآت در دوران تیموری

منشآت یا نامه نگاری که در قدیم به آن ترسل نیز می‌گفته اند، یکی از مهم‌ترین لوازم در امور دیوانی حاکمان و فرمانروایان بزرگ و محلی به شمار میرفته و به عنوان یکی از فنون نویسندگی در گستره فرهنگ و ادب پارسی جایگاهی ویژه و سابقه‌ای دیرینه دارد.

رسایل باقیمانده از دوره های گوناگون تاریخی از انواع مهم نشر فارسی به شمار میروند و دارای اهمیت و در خور مطالعه و تحقیق است. منشورها و فرمانها و رسائل سلطانی که در منشآت جمع شده است از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی اهمیت بسزایی دارد و با مطالعه و بررسی دقیق آنها میتوان به نکات دستوری و لغوی، چگونگی استفاده از صنایع و آرایه ها ادبی و سایر ویژگیهای سبک شناسی، شیوه نگارش مکاتبات رسمی دیوانی رایج در دربارها و سبک نگارش نامه های خاص مثل اخوانیات اطلاعاتی را کسب کرد و از سیر تحول نشر فارسی در دوران گذشته آگاه شد. اما در دوره تیموری که بسیاری از ادب پژوهان آن را دوره پایان ادبیات کلاسیک فارسی نامیده اند به علت توجه خاص سلاطین تیموری به هنر و ادب آثار متعددی در زمینه های گوناگون تالیف میشود که منشآت نیز یکی از این انواع ادبی است. از میان آثار منشیان این دوره میتوان به ترسل یا منشآت اثر اسفزاری، فراید غیائی اثر شهاب الدین عبدالله جامی، همایون نامه اثر جمال الاسلام ملقب به منشی، ریاض الانشا اثر خواجه عمادالدین محمود گاوآن ملقب به صدر جهان، رقعات جامی، مطلع السعدین اثر کمال الدین عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی، منشا الانشاء اثر ابوالقاسم شهاب الدین احمد خوافی، رقعات امیر علیشیر نوایی و نامه نامی اثر خواندمیر اشاره کرد که همه این آثار از اسناد مهم تاریخی و ادبی این دوره به شمار میروند. شیوه نگارش مکاتیب دیوانی و مناشیر عهد تیموری دنباله همان سبک نامه نگاری دوره مغول بود یعنی رعایت ساده نویسی و ایجاز و اختصار و پرهیز از عبارت پردازیها و لفاظیهای بی مورد و استفاده از القاب و عناوین و نعوت و صفات مرکب که در قرنهای قبل (قرن ششم) رایج و معمول بود. با این توصیف برخی از منشیان این دوره با روی آوردن به شیوه منشیان پیشین در آثار خود تا حدودی از سجع، موازنه، قرینه سازی، لغات دشوار عربی و ترکیبات تازی، آیات و روایات و احادیث، عبارات و امثال عربی، درج و تضمین و .. استفاده کرده اند. در برخی از نامه های عهد تیموری حد متوسط بین نثر فنی و نثر ساده رعایت شده است، اما باز هم استشهاد آیات و احادیث و امثال و عبارات عربی معمول است.